

المقصد الثالث: في باقي المحظورات

سوم: سایر محرّمات احرام

وهي سبعة:

که هفت مورد است:

الأول: الاستمتاع بالنساء، فمن جامع زوجته في الفرج قبلاً أو دبراً، عامداً عالماً بالتحريم فسد حجه، وعليه إتمامه وبدنة والحج من قابل، سواء كانت حجته التي أفسدها فرضاً أو نفلاً. وكذا لو جامع أمته وهو محرم.

اول: بهره بردن از زنان: کسی که با همسرش نزدیکی کند (چه از جلو و چه عقب) درحالی که بداند این کار حرام است و عمداً مرتکب آن شود حجه باطل است و باید حجه را تمام کند و یک شتر فربه نیز قربانی و در آینده حجه را قضا نماید، چه حجه که باطل کرده است، واجب باشد و چه مستحب. اگر با کنیزش درحالی که خودش مُحرم است نزدیکی کند نیز همین حکم جاری است.

ولو كانت امرأته محرمة مطاوعة لزمها مثل ذلك، وعليهما أن يفترقا إذا بلغا ذلك المكان حتى يقضيا المناسك إذا حجا على تلك الطريق، ومعنى الافتراق ألا يخلوا إلا ومعهما ثالث. ولو أكرهها كان حجها ماضياً، وكان عليه كفارتان، ولا يتحمل عنها شيئاً سوى الكفارة.

اگر همسرش در حال احرام باشد و در این کار با شوهرش همکاری کند، بر زن نیز مثل همین کفاره واجب می شود و (هنگام قضا نمودن حج) زمانی که به آن مکان رسیدند بر هر دوی آنها واجب است از یکدیگر جدا شوند تا زمانی که مناسکشان را به پایان برسانند (البته اگر از همان مسیر حج قبلی حج را به جا بیاورند) و معنی جدایی این است که نباید با یکدیگر خلوت کنند مگر اینکه نفر سومی همراهشان باشد. اگر مرد همسرش را مجبور به نزدیکی نماید حج زن صحیح است و مرد باید دو کفاره بپردازد و مرد از طرف همسرش چیزی جز کفاره بر عهده اش نخواهد بود.^(۱)

وإن جامع بعد الوقوف بالمشعر ولو قبل أن يطوف طواف النساء، أو طاف منه ثلاثة أشواط فما دونه، أو جامع في غير الفرج قبل الوقوف كان حجه صحيحاً، وعليه بدنة لا غير.

1- مثلاً نیاز نیست به جای او حج قضا به جا بیاورد یا نایب بگیرد. (مترجم)

اگر بعد از وقوف در مشعر و پیش از انجام طواف نسا یا تا دور سوم از طواف نسا یا کمتر چنین کند، یا پیش از وقوف اما از راهی غیر از فرج با همسرش نزدیکی کند، حشش صحیح است و تنها یک شتر فربه به عنوان کفاره بپردازد.

تفریع: إذا حج في القابل بسبب الإفساد فأفسد لزمه ما لزم أولاً. وفي الاستمناء بدنة، ولا يفسد به الحج ولا يجب القضاء.

نکته: اگر در سال بعد به سبب باطل شدن حشش، حج به جا آورد و حج دوم را نیز باطل نماید، آنچه در اولین مرتبه بر او واجب بود در این مرتبه نیز بر او واجب خواهد بود. کفاره استمنا یک شتر فربه است، اما حشش با انجام این عمل باطل نمی شود و قضا هم بر او واجب نیست.

ولو جامع أمته محلاً وهي محرمة بإذنه تحمل عنها الكفارة بدنة أو بقرة أو شاة، وإن كان معسراً فشاة أو صيام ثلاثة أيام.

اگر شخص غیر مُحرم با کنیزش - که با اجازه خود او مُحرم شده است - نزدیکی کند، باید از طرف او یک شتر، گاو یا گوسفند کفاره بدهد و اگر فقیر است یک گوسفند بدهد یا سه روز روزه بگیرد.

ولو جامع المحرم قبل طواف الزيارة لزمه بدنة، فإن عجز فبقرة أو شاة. وإذا طاف المحرم من طواف النساء خمسة أشواط ثم واقع لم يلزمه الكفارة، وبنى على طوافه.

اگر شخص مُحرم قبل از طواف زیارت نزدیکی کند، واجب است یک شتر کفاره دهد و اگر نتوانست، یک گاو یا گوسفند؛ و اگر شخص مُحرم پنج دور از طواف نسا را انجام داده باشد سپس نزدیکی نماید، نیاز نیست کفاره بدهد و طوافش را ادامه دهد.

وإذا عقد المحرم لمحرم على امرأة ودخل بها المحرم، فعلى كل منهما كفارة، وكذا لو كان العاقد محلاً.
اگر شخص مُحرمی برای مُحرمی دیگر، زنی را عقد و مُحرم دوم با آن زن نزدیکی کند هرکدام از آن دو باید یک کفاره بپردازد. اگر عاقد محرم نباشد نیز به همین صورت است.

ومن جامع في إحرام العمرة قبل السعي فسدت عمرته، وعليه بدنة وقضاؤها، والأفضل أن يكون في الشهر الداخل.

کسی که در حال احرام عمره و پیش از سعی، نزدیکی کند عمره اش باطل است و باید یک شتر فربه کفاره دهد و عمره اش را نیز قضا نماید و بهتر است که در همان ماه برای قضای عمره اقدام کند.

ولو نظر إلى غير أهله فأمنى كان عليه بدنة إن كان موسراً، وإن كان متوسطاً فبقرة، وإن كان معسراً فشاة.

اگر به شخصی غیر از همسرش نگاه کند و جُنُب شود، در صورت توانمندی باید یک شتر کفاره دهد و اگر از طبقه متوسط است یک گاو و اگر از فقیران است یک گوسفند.

ولو نظر إلى امرأته لم يكن عليه شيء، ولو مسها بشهوة كان عليه شاة ولو لم يمن. ولو قبل امرأته كان عليه شاة، ولو كان بشهوة كان عليه جزور، وكذا لو أمنى عن ملاءبة. ولو استمع على من يجامع فأمنى من غير نظر لم يلزمه شيء.

ولی اگر به همسرش نگاه کند چیزی بر او واجب نیست. اگر با شهوت همسرش را لمس کند، حتی اگر جنب نشود، باید یک گوسفند کفاره دهد. اگر همسرش را ببوسد باید یک گوسفند بدهد و اگر این بوسیدن از روی شهوت باشد باید یک شتر قربانی کند؛ اگر در حین ملاءبه (بازی و نوازش همسر) منی از او خارج شود نیز به همین صورت خواهد بود. اگر به صدای نزدیکی کردن دو نفر گوش دهد و بدون اینکه به آن‌ها نگاه کند جنب شود، چیزی بر عهده‌اش نیست.

فرع: لو حج تطوعاً فأفسده ثم أحصر كان عليه بدنة للإفساد ودم للإحصار، وكفاه قضاء واحد في القابل.

نکته: اگر شخصی حج مستحبی که به‌جا می‌آورد را باطل کند، سپس محصور شود، باید برای باطل کردن حج یک شتر و برای احصار یک گوسفند قربانی کند و در سال آینده تنها یک قضا کفایت می‌کند.

المحظور الثاني: الطيب، فمن تطيب كان عليه دم شاة، سواء استعمله صبغاً أو طلاءً، ابتداءً أو استدامةً، أو بخوراً، أو في الطعام. ولا بأس بخلوق الكعبة ولو كان فيه زعفران. وكذا الفواكه كاللترج والتفاح، والرياحين كالورود.

دوم: بوی خوش: کسی که بوی خوش استفاده کند باید گوسفندی قربانی نماید، چه بوی خوش را به‌عنوان رنگ و لاک استفاده کند و چه به خود بمالد، چه بوی خوش را از همان زمان استفاده کند و چه اینکه از قبل خوشبو بوده باشد و دوباره آن را استفاده نماید، یا بخور کند یا در غذا بریزد. عطر خانه کعبه اشکالی ندارد حتی اگر در آن از زعفران استفاده شده باشد. میوه‌جاتی مانند پرتقال و سیب و گیاهان خوشبو -مانند گل‌ها- نیز همین حکم را دارند.

الثالث: القلم، وفي كل ظفر مد من طعام، وفي أظفار يديه ورجليه في مجلس واحد دم، ولو كان كل واحد منهما في مجلس لزمه دمان. ولو أفتي بتقليم ظفره فأدماه لزم المفتي شاة.

سوم: گرفتن ناخن: باید برای هر ناخن یک مُد طعام بدهد و اگر در یک نوبت، هم‌زمان ناخن‌های دست و پا را کوتاه کند یک قربانی بر عهده‌اش است و اگر هرکدام (از دست و پا) را در نوبت جداگانه کوتاه کند باید دو قربانی تقدیم نماید. اگر شخصی به فرد مُحرّم⁽²⁾ فتوا بدهد که ناخنش را بگیرد و خون جاری شود، شخص فتوا دهنده باید یک گوسفند قربانی کند.

الرابع: المخيط حرام على المحرم (الرجل)، فلو لبس كان عليه دم، ولو اضطر إلى لبس ثوب يتقي به الحر أو البرد جاز وعليه شاة.

چهارم: پوشیدن لباس دوخته‌شده: بر مرد مُحرّم حرام است که لباس دوخته‌شده بر تن کند؛ اگر چنین کرد باید یک گوسفند قربانی کند و اگر ناچار شد لباس بپوشد تا او را از گرما و سرما محافظت نماید، جایز است و باید یک گوسفند قربانی کند.

الخامس: حلق الشعر، وفيه شاة، أو إطعام عشرة مساكين لكل منهم مد، أو صيام ثلاثة أيام. ولو مس لحيته أو رأسه فوقع منهما شئ أطمع كفاً من طعام.

ولو فعل ذلك في وضوء الصلاة لم يلزمه شئ. ولو نتف أحد إبطيه أطمع ثلاثة مساكين، ولو نتفهما لزمه شاة.

پنجم: تراشیدن مو: کفاره‌اش یک گوسفند است یا اطعام ده فقیر (به هرکدام یک مد طعام) و یا سه روز روزه. اگر به موی صورت یا سرش دست بکشد و مویی از آن فرو افتد، باید یک کف دست غذا اطعام نماید. اگر هنگام وضو گرفتن برای نماز چنین اتفاقی بیفتد چیزی بر عهده‌اش نیست. اگر موهای زیر بغل یکی از دست‌هایش را تنظیف نماید کفاره‌اش اطعام سه مسکین است و اگر هر دو را با هم تنظیف کند کفاره‌اش یک گوسفند است.

وفي التظليل سائراً شاة، وكذا لو غطى رأسه بثوب، أو طينته بطين يستره، أو ارتمس في الماء، أو حمل ما يستره.

برای قرار گرفتن در سایه متحرک، باید یک گوسفند کفاره بدهد. اگر سر خود را با لباس بپوشاند یا پوششی از گل بر آن قرار دهد یا سر خود را در آب فرو ببرد یا سایبانی بالای سر خود بگیرد نیز به همین صورت خواهد بود.

السادس: الجدل في الكذب منه مرة شاة، ومرتين بقرة، وثلاثاً بدنة. وفي الصدق ثلاثاً شاة، ولا كفارة فيما دونه.

2- در این زمینه حدیثی وجود دارد که شخصی از یکی از اهل بیت (ع) پرسید: کسی انگشتانش آسیب دیده است و نمی‌تواند ناخن‌هایش را کوتاه کند و دیگری به او فتوا داده که ناخن‌هایش را کوتاه کن. او نیز چنین کرد و از انگشتانش خون جاری شد. حضرت فرمودند: «کسی که فتوا داده باید یک گوسفند بپردازد...» (وسائل الشیعه: ج ۹، باب ۱۳) (مترجم)

ششم: جدال: در صورتی که جدال در موردی دروغین باشد اگر یک بار باشد یک گوسفند و اگر دو بار بود یک گاو و اگر سه بار بود باید یک شتر بدهد؛ ولی در موردی درست، کمتر از سه مرتبه کفاره‌ای ندارد، اما اگر سه مرتبه شد باید یک گوسفند بپردازد.

السابع: قلع شجرة الحرم، وفي الكبيرة بقرة ولو كان محلاً، وفي الصغيرة شاة، وفي أبعاضها قيمة. ولو قلع شجرة منه أعادها، ولو جفت يلزمه ضمانها. ولا كفارة في قلع الحشيش وإن كان فاعله مأثوماً.

هفتم: از بُن کندن درختان حرم: برای درخت بزرگ باید یک گاو بدهد - حتی اگر محرم نباشد - و برای درخت کوچک، یک گوسفند و اگر قسمتی از آن را ببرد قیمتش را بپردازد. اگر درختی که متعلق به حرم است را از ریشه بکند باید آن را برگرداند و اگر خشک شود ضامن نیز هست. کندن خار و خاشاک کفاره‌ای ندارد، هرچند کسی که چنین کند گناهکار است.

ومن استعمل دهنًا طيباً في إحرامه كان عليه شاة، وفي حال الضرورة لا شيء عليه. وفيمن قلع ضرسه لا كفارة، ويجوز أكل ما ليس بطيب من الأدهان كالسمن و دهن السمسم، ولا يجوز الأدهان به.

هر کس در حال احرام از روغن‌های خوشبو استفاده کند باید یک گوسفند کفاره بدهد و اگر بنا به ضرورت بوده باشد چیزی بر عهده‌اش نیست. کسی که دندان خود را از جا درآورد کفاره ندارد. خوردن روغن‌هایی که خوشبو نیست مانند روغن حیوانی و روغن کنجد جایز است اما روغن مالی با آن‌ها جایز نیست.

خاتمة:

خاتمه:

تشتمل علی مسائل:

شامل چهار مسئله است:

الأولى: إذا اجتمعت أسباب مختلفة كاللبس وتقليم الأظافر والطيب لزمه عن كل واحد كفارة، سواء فعل ذلك في وقت واحد أو وقتين، كفر عن الأول أو لم يكفر.

اول: اگر چند کار مختلف را که موجب کفاره می‌شود انجام دهد - مثل اینکه لباس دوخته شده بپوشد، ناخن‌هایش را کوتاه و از بوی خوش استفاده کند - باید برای هر کدام یک کفاره بدهد و تفاوتی ندارد آن‌ها را در یک زمان انجام داده باشد یا در زمان‌های مختلف و یا اینکه کفاره کار اول را پرداخته باشد یا خیر.

الثانية: إذا كرر الوطأ لزمه بكل مرة كفارة، ولو كرر الحلق فإن كان في وقت واحد لم تتكرر الكفارة، وإن كان في وقتين تكررت. ولو تكرر منه اللبس أو الطيب، فإن اتحد المجلس لم يتكرر، وإن اختلف تكرر.

دوم: اگر شخص مُحرم، نزدیکی را تکرار کند، باید به ازای هر مرتبه یک کفاره بپردازد، اما اگر تراشیدن مو را در یک زمان چند بار تکرار کند باعث تکرار کفاره نمی‌شود، ولی اگر در زمان‌های مختلف تکرار کند کفاره‌اش تکرار می‌شود. در مورد پوشیدن لباس دوخته شده یا استعمال بوی خوش نیز حکم به همین صورت است؛ اگر در یک زمان انجام شود باعث تکرار کفاره نمی‌شود، ولی اگر در زمان‌های مختلف باشد کفاره‌اش تکرار می‌شود.

الثالثة: كل محرم أكل أو لبس ما لا يحل له أكله أو لبسه كان عليه دم شاة.

سوم: هر مُحرمی که مرتکب خوردن یا پوشیدن چیزهایی که برایش حلال نیست بشود باید یک گوسفند قربانی کند.

الرابعة: تسقط الكفارة عن الجاهل والناسي والمجنون إلا في الصيد، فإن الكفارة تلزم ولو كان سهواً.

چهارم: کفاره از جاهل، فراموش کار و دیوانه ساقط است، مگر کفاره شکار که حتی اگر سهوی باشد هم کفاره دارد.

